

سلسله دروس خارج

اصول فقہ

جلسه :

۷

تاریخ :

۱۹ / ۱۲ / ۱۴۳

مبحث وضع
(وضع شخصی و نوعی)

بررسی اقسام وضع شخصی و نوعی

نوعی	شخصی	مثال	وضعیت هیأت و ماده	
-	همه اصولیون	زید	هیأت معین + ماده معین	۱
مرحوم عراقی	مرحوم آخوند و مرحوم اصفهانی	«ض ر ب» برای «زدن»	ماده ثابت + هیأت متغیر	۲
اکثر اصولیون	آیت الله وحید	فاعل (صادر کننده فعل)	هیأت اسمی ثابت + ماده متغیر	۳
همه اصولیون	-	هیأت جمله اسمیه	هیأت نسبت ثابت + ماده متغیر	۴
مرحوم آخوند	-	رفع (دالّ بر فاعلیت)	هیأت اعرابی ثابت + ماده متغیر	۵

نکته ۳ :
تغییر تعریف وضع

«جعل الشئ علامة للمعنى سواء كان الشئ لفظاً أو هيئةً أو نسبةً أو إعراباً»

نکته ۴ :

در اصطلاح زبان شناسی از هیأت، نسبت و اعراب با عنوان قواعد زبانی یاد
می شود

۱) وضع در ثلاثی مجرد: شخصی است

علت: قدر جامعی بین (قتل، نصر، صدق ..) نیست تا هیئت فعل بر آن وضع شده باشد

۲) وضع در غیر افعال ثلاثی مجرد: نوعی است

۳) اگر گفته شود: افعالی که مربوط به سجایا هستند، عین الفعلشان مضموم است

می گوئیم: این مطلب شایع نیست؛ در غیر افعال سجایا این ضابطه را نداریم

صاحب فصول:

نکته ۴

۱) می توان گفت «فَعَلَ» برای ماضی است و این برای وضع نوعی کافی است

۲) غایت سخن این است که «فَعَلَ، فَعُلَ، فَعِلَ» مترادف هستند

۳) افعال ثلاثی مزید نیز سماعی هستند، چون از هر ماده ای نمی توان فعل ثلاثی مزید ساخت

اشکال محقق
رشتی به صاحب
فصول

نکته ۴